

صدراعظم بی‌تجربه آلمان و نقشی که به او نمی‌آید

هیتلر پلاستیکی



سید مهدی طالبی، پژوهشگر حوزه بین‌الملل

موضعگیری‌های ابتدایی فردریش مرس، صدراعظم آلمان در مخالفت با اقدامات یکجانبه اقتصادی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا این دیدگاه را ایجاد کرد که آلمان بار دیگر زعمی قدرتمند یافته و در حال بازیای اقتصاد خود است؛ اما در ادامه عملکرد مرس نشان داد او بیشتر از یک رهبر، شبیه خدتمکار پیرویی است که گاهی با رباب خودتند صحبت کرده و البته برای جبرانش شیرین کاری‌های بیشتری انجام می‌دهد. شیرین کاری‌های صدراعظم آلمان در برابر آمریکا و صهیونیست‌ها، دو ذی‌نفع جنگ جهانی دوم که ۸۰ سال از پایان آن می‌گذرد، در کمتر دوره‌ای سابقه داشته و از روحیه عمومی ژرمن‌ها دور است. مرس به سرعت خواست ترامپ برای کسب سود از ناتو را اجابت کرده و قول ارائه میلیاردها دلار پول به او برای تأمین تسلیحات اوکراین را داد. او این کرش خود را در برابر صهیونیست‌ها نیز تکرار کرده و برای تقلیل جنایت‌های آنان، به‌صراحت تأکید کرد رژیم صهیونی به نیابت از غرب کارهای کلیدی را انجام می‌دهد؛ او این توصیف را درباره حمله صهیونیست‌ها به ایران به کار برد و جالب آنکه اقدام آن‌ها را نیز «کار کلیدی» دانست، در شرایطی که در دوران گذار کنونی و شکست‌شدن نظم یک‌قطبی همه‌انتظار استقلال‌پیشتری از آلمان داشتند، این کشور در حال فرو رفتن در باتلاق است. برای فهم بهتر قضایا باید وضعیت و معادله امنیتی آلمان و ظرفیت‌های آن را شناخت. مرس در حالی که نظم‌پیشین تضعیف شده، بیشتر از قبل در حال نشان دادن پابندی به آن است.

وضعیت آلمان پس از جنگ چگونه شد؟

آلمان پس از جنگ جهانی دوم طبق توافق‌های پس از جنگ تحت تسلط دولت‌ها و گروه‌های پیروز جنگ درآمد.

دولت‌های پیروز شامل شوروی، انگلیس، فرانسه و آمریکا بودند. صهیونیست‌ها و یهودیان هم با توجه به نفوذی که در غرب یافته بودند، در این پیروزی سهم داشتند. اهمیت منافع دولت‌ها و گروه‌های پیروز به اندازه‌ای بود که دولت‌ها به دو کشور تقسیم‌شد: آلمان شرقی با اندازه‌ای کوچک‌تر و جمعیت ۱۶ میلیون که تحت سلطه روس‌ها بود و آلمان غربی بزرگتر با جمعیت ۶۳ میلیونی که تحت نفوذ غرب قرار داشت.

برلین در درون آلمان شرقی واقع شده و توسط شوروی فتح شد؛ اما میان قدرت‌های پیروز جنگ تقسیم‌شد و این شهر نیز به دو نیمه درآمد.

از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ که آلمان متحد شد، به مدت ۴۵ سال این کشور وضعیت تقسیم را تجربه کرد. طی ۵۰ ساله که مابین سال ۱۹۹۰ تا به امروز گذشته، این کشور علیه رژیم نازی‌ها

ادغام در ماشین کشتار جمعی اسرائیل با فشنگ نوستالژی!

تبارشناسی وطن‌فروشی!

ادامه از صفحه یک

ماز دهه ۸۰ در رسانه‌های فارسی‌زبان شاهد اتفاقی عجیب هستیم که در دهه ۹۰ و با شکل‌گیری شبکه‌های منوویو و ایران‌پنشنل کاملاً فضا به‌سخت نوعی نوستالژی‌زایی شدید و پاک‌کردن حافظه جمعی بخشی از ایرانیان حرکت کرده است؛ به تعبیر تاریخ‌نگاران مهم‌در سال‌های اخیر، نوستالژی اگر به جان یک قوم یا گروهی نفوذ کند حافظه و حافظه جمعی و تاریخ آن کشور را تباه می‌کند. اینجاست که منجره می‌شویم طرح‌های نوستالژیک از تاریخ ایران فشنگی بود برای پر کردن اذهان برخی ایرانیان تا در کنار کشتار جمعی قرار گیرند؛ حالا بعد از شرح ابتدایی می‌توانیم چرایی نظری این وطن‌فروشی را کامل شرح دهیم. تودور آدورنو فیلسوف مهم قرن بیستم که کتاب مهم «دیالکتیک و روشنگری» را در اوج جنگ جهانی دوم نوشت، در آن مقطع به‌شدت مورد حمله قرار گرفت که در اوج جنگ و آن هم در حالی که در آمریکا زندگی می‌کرد هدف از نوشتن چنین کتابی چیست؟ وقتی همه چیز واضح است ظهور و خشونت فاشیسم نمایان است و جنگ در مرحله‌ای است که نمی‌توان صحنه را اسادسازی کرد، چرا آدورنو کتابی در باره صنعت فرهنگ و آن بخشی را که ناظر به جامعه آمریکاست، می‌نویسد؟ بسیاری از این جهت کار آدورنو را نوعی کار بی‌خود و یک ژست روشنفکری و پوچ قلندار کردند اما در واقعیت آدرو به‌درستی بحثی را در اوج چهره خشن فاشیسم در جهان نشان داد که فاشیسم فقط خطر نیست و این سرمایه‌داری و اتفاقاً ایده سرمایه‌داری مدل آمریکاست که خیلی فرقی با فاشیسم ندارد. به‌نوعی اگر فاشیسم زخم فعلی جهان است؛ سرمایه‌داری هم زخم آینده جهان است، حتی به‌مراتب خشن‌تر و با کشتاری وسیع‌تر. در همین دوره آدرو می‌گوید امروز همه به اردوگاه‌های کار اجباری اعتراض دارند اما چرا اغلب کشاورزان جوان آنجا مشغولند؟ آیا این رفتارها به‌جز خشونت در طرف قدرت به نوعی فهم نوستالژی از هستی در طرف کارگران هم ربط دارد؟ در واقع آدرو به‌شدت طرح مهمی را مطرح می‌کند که این فقط خشونت غریان عصر ما نیست، بلکه در مقابل هم طرف مظلوم واقع شده و هم با درکی از زیستن تن به انقیاد می‌دهد و

اتحاد پس از عقب‌نشینی روس‌ها، تحت سلطه دیگر طرف‌های پیروز باقی ماند.

برای مدت‌ها تنها لشکر زرهی انگلیس در آلمان مستقر بود گرچه در طول جنگ سرد توجیه اعلامی آن آمادگی برای مقابله با شوروی بود؛ اما پس از فروپاشی این حکومت نیز وضعیت تا مدت‌ها ثابت ماند. اگر پس از جنگ جهانی دوم انگلیس و فرانسه در مقابل شوروی و آمریکا افول کردند، سلطه بر آلمان راه‌یاب طبق این دو حکومت سنجید.

با فروپاشی شوروی، بیشتر از انگلیس و فرانسه، نیرو سلطه آمریکا اهمیت دارد. آمریکا دارای ۷ بخش در فرماندهی یکپارچه رزمی خود است که یک مورد آن فضایی و ۶ مورد آن جغرافیایی است. از این ۶ فرماندهی، مقرر ۴ مورد در آمریکا و ۲ مورد در آلمان قرار دارد.

مقرر فرماندهی اروپا (یورپاکم) آفریقا (آفریکام) در انشترنگرات آلمان قرار دارند. این فرماندهی‌ها برای اداره امور جهانی توسط آمریکا ایجاد شده‌اند که مقرر یک‌سوم آن‌ها در خاک آلمان واقع شده و هیچ کشور دیگری میزان مقر اصلی این فرماندهی‌ها در خارج از آمریکا نیست.

مقر یورپاکم در آلمان و پایگاه‌های تحت مدیریت آن در اروپا که بیشتر در همان آلمان مستقر هستند، وظیفه پشتیبانی از فرماندهی مرکزی آمریکا موسوم به ستکام را نیز بر عهده دارد؛ نیرویی که مسئول فرماندهی فعالیت‌های ارتش آمریکا در مناطق مانند غرب آسیا، آسیای میانه و شمال و شرق‌ها هند است.

حجم بالای نفوذ نظامی آمریکا که باعث حضور ده‌ها هزار نظامی، ایجاد تأسیسات و پایگاه‌های عظیم و استقرار انواع تجهیزات مانند دستگاه‌های شنود جمع‌آوری اطلاعات‌شده، عمل‌آفدرت امنیتی در این کشور را هم در اختیار آمریکا قرار داده است. آلمان نه تنها تحت سلطه نظامی و امنیتی آمریکاست بلکه هنوز نیز در این حوزه‌ها پس از جنگ جهانی دوم دچار محدودیت شده و آنچه فراهم کرده، تحت مدیریت آمریکا فعالیت می‌کند.

با این حال تسلط نظامی-امنیتی آمریکا بر آلمان سه‌ضلعی است. اگر ضلع اول حضور عظیم قوای آمریکا و ضلع دوم فعالیت‌قوای محدودشده آلمان تحت نظارت آمریکا باشد، ضلع سوم وابستگی در این حوزه‌ها به توانمندی‌های واشنگتن است به گونه‌ای که در فقدان آمریکا، آلمان بدون حفاظت‌فوری در برابر دشمنان ته‌تخیدا قرار می‌گیرد.

آلمان گشوده شده همچنین تا حد زیادی تحت نفوذ صهیونیست‌هاست. یهودیان اشکنازی به عنوان بدنه اصلی صهیونیست‌ها در آلمان و مناطق مجاور آن زندگی می‌کردند و با وجود مهاجرت، ریشه‌ها و منافع خود را در این سرزمین فراموش نکرده و پس از جنگ آن‌ها را اغاده و استمرار ببخشیدند که به معنای فررت‌پشتان در این کشور بود.

زایه دیگر به نفوذ صهیونیست‌ها در آمریکا باز می‌گردد؛ با توجه به سلطه آمریکا بر آلمان،

صهیونیست‌ها از طریق لایحی خود در واشنگتن از چنین منافع سلطه‌ای بهره‌مند می‌شوند. رژیم صهیونی هم به‌عنوان بخشی از محصول صهیونیسم جهانی از آلمان بهره‌برد. آلمان هاساایانه بخش قابل توجهی از تسلیحات رژیم صهیونی را تأمین می‌کند تا کنون چندین زیردریایی تغییر

یافته برای حمل موشک‌های کروز اتمی را بدون دریافت هزینه در اختیار تل آویو قرار داده‌اند. فراتر از آن، آلمان با قبول مسئولیت نظارت بر سواحل شرقی مدیترانه با کنترل سواحل کشوری مانند لبنان، به‌طور مستقیم در تأمین امنیت رژیم صهیونی مشارکت دارد.

آیا راهی برای خلاصی آلمان وجود دارد؟

با فاصله گرفتن از جنگ جهانی دوم و بروز تغییرات جهانی، فرصت‌هایی برای آلمان جهت اصلاح وضعیتش پدیدار شده‌اند.

آلمان قدرت اقتصادی مهمی است و تحت فشار، فعالیت مناسبی دارد اما اقتصاد و صنعت آمریکا با وجود دو پیگ مالی دلار و خلق ترلیون‌ها دلار، از مشکلات قابل توجهی رنج می‌برد. مشکلات اقتصادی و ناکامی جنگ‌های آمریکا در سایه روند فزاینده تکرر قدرت در جهان، فضای مطلوبی برای آلمان جهت افزایش استقلالش از این کشور ایجاد کرد؛ اما اشتباه و گمراهی مقامات در برلین باعث شده‌تتهاخیری را به‌یودا وضع انباشد یک موضوعیت و به‌یو خامت‌برود. آمریکا با تلاش برای توسعه قلمرو ناتو به سمت شرق و بلعیدن اوکراین، روسیه را تحریک به حمله علیه این کشور کرد تا پس از چند دهه، جنگی در اروپا شروع شود.

هنگامی که این جنگ به تحریک آمریکا و یاز دیگری خود او را با مسئله کشید، آلمان تندتر از دیگر دولت‌ها در آن عمل کرد. در حال حاضر و در شرایطی که آمریکا ارسال سلاح به اوکراین را تعلیق کرده و انگلیس و فرانسه در گوشه‌ای تقریباً سکوت کرده بودند، صدراعظم آلمان لای‌گری در آمریکا برای ارسال سلاح راه اوج رسانده و با گفت‌وگوی مستقیم با رئیس‌جمهور آمریکا و تقبل همه هزینه‌ها خواهان ارسال سریع ۱۰ واحد سامانه کمپاب دفاع ضد موشکی پاتریوت به اوکراین شد.

آلمان از سسه قدرت غربی دیگر توانمندتر نیست. آن‌ها دارای سلاح هسته‌ای بوده و ضمن تجربه جنگ دارای ارتش‌های مجهزی هستند، اما آلمان با توجه به تجهیزات کمتر و موقعیت آسیب‌پذیرتر در برابر رقبای مهمی مانند چین، روسیه و ایران تهاجمی‌تر عمل می‌کند؛ اقدامی که بیهوده و خارج از منافع برلین است.

راه‌برای خلاصی برلین علی‌رغم ناامواری وجود دارد اما این کشور فرو رفتن بیشتر در باتلاق را انتخاب کرده‌است. آلمان یابازی مستقیم توسط صدراعظم خود از حمله رژیم صهیونی و آمریکا به ایران حمایت و ارسال سلاح برای اوکراین جهت مقابله با روسیه را پیش برده و هم‌زمان ارتش آلمان ادعا در دناوه‌های چینی در مسیر پروازی هواپیمای نظارتی این کشور در دریای سرخ یا لیزر اختلال ایجاد کرده‌اند. مواجهه هم‌زمان برلین با ناهنران مسکو و یکن هر چه باشد تدبیر نیست.

نکات

در باره عملکرد مرس و آلمان نکاتی وجود دارد.

سال قبل به‌نوعی ایجاد شرایطی است که ترامپ هم قصد دارد همان کار را انجام دهد، در نتیجه هر کاری از او سر برد باید سکوت کنید! تا آن دوره مجدداً شکل بگیرد. کاری که رسانه‌های فارسی‌زبان با اذهان وطن‌فرشان کرده‌اند شباهه همین رفتار است؛ تصویری را از ده قبل از انقلاب ششکل داده‌اند که طرف اسرائیل معتقد است برای بازسازی آن دوره باید صبر کنند و این صبر احتمالاً یعنی در مقابل کشتار هم‌وطن نباید اعتراض کنند. در حمله به کشتور نباید اعتراض کنند، بلکه باید حتی حمایت هم بکنند. در واقع در بحث‌های متأخر جامعه‌شناسی این اتفاق را ذیل همان اخلاق بردگی تعریف می‌کنند که ارباب دستور می‌دهد و برده نتهتا به دستور عمل می‌کند، بلکه چند کار اضافه هم انجام می‌دهد. در واقع اینجا برده هیستریک شده و رفتار او در لحظه دستور هیستریک است و بعد در فرایند امتداد مالیخولیاست. این شکل اخلاق بردگی از همان عدم فهم از تاریخ مشکل می‌گیرد و دو بحث را باید این‌گونه طرح کرد؛ نظمی که آمریکایی‌ها و اسرائیلی برای وطن‌فروش‌ها شکل داده‌اند، این‌گونه است که شما فقط هنگامی آزادید و حس آزادی دارید که وطن‌فروشی کنید و از وطن‌فروشی می‌توانید لذت ببرید. فقط سوره وطن‌فروش زمانی احساس آزادی می‌کند که قصه‌ای را بگوید که در چرخه خدمت به ارباب باشد و در اینجا هر نوع طرح قصه دیگر واقعی نیست. برای فهم بهتر مثالی می‌زنم؛ در سال‌های اخیر که فقر جهانی گسترش پیدا کرده بیش از آنکه سوره فقیر را مشاهده کنیم، بنگاه‌های خیریه جهانی و کمک‌افراد مشهور را مشاهده کرد؛ یعنی خود انسان‌های فقیر موضوع نیستند و اینکه ارباب‌ها در باره آن‌ها چه می‌گویند اهمیت دارد. بعد از مدتی وقتی هر انسان قرار است قصه خودش را روایت کند، به‌گونه‌ای آن را طرح می‌کند که خوشایند ارباب باشد تا کمکی به آن‌ها برسد. در واقع در این لحظه هم وطن‌فروش‌ها شبیه به سوره فقیر هر آنچه را در خدمت ارباب‌ها باشد بیان می‌کنند، یعنی خودشان را با سلاح نوستالژیک در خدمت خودشان و سیستم‌های خودشان قرار می‌دهند تا بتوانند به ارباب‌ها خدمت کنند و تصور می‌کنند از این طریق به آزادی کمک کرده‌اند. به‌نوعی درک نظری که

آدرو ن از تاریخ بیان می‌کند اینجا خود را نشان می‌دهد. او الهام از نیچه تاریخ را یادآوری با در می‌داند و به عنصر درد تأکید دارد؛ چراکه همه وقایع تاریخی بر پایه درد است و این درد است که تجربه به خودآگاهی درست می‌کند، در غیر این صورت تاریخ دیگر اهمیتی ندارد، حتی پیروزی‌های تاریخی هم از دل درد زاده شده‌اند اما درکی که وطن‌فروش‌ها از تاریخ توسط اربابان آن‌ها برایشان شکل گرفته نوستالژی به‌جای تاریخ است، یعنی به‌جای درد به‌صورت دروغین لذت قرار گرفته است، مثل همان تخیلاتی که در بالا بیان شد که در فلان مقاطع همه چیز عادی، طبیعی و زیبا بوده است. این درکی است که ارباب برای برده‌شکل داده است. امروز دقیقاً حلقه اصلی انتلاف خشن و خون‌بار وطن‌فرشان با اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها همین است. این به‌مراتب از فاشیسم قرن بیستم ترسناک‌تر است؛ چراکه آنجا امید به رهایی بود اما امروز برای این وطن‌فرشان فدای امید نیست. آن‌ها برده‌های اربابند و قصه‌هایی را برای خودنمایی و خوشایند ارباب‌ها می‌گویند. شاید به همین خاطر است که امروز بسیاری از افراد از جمع و جمع وطن‌فروشی این برده‌ها تعجب کرده‌اند، چون نمی‌دانند این برده‌ها دو دهه است در شبکه‌های خوشان و از طریق کانال‌های خاص به‌شرایطی دچار شده‌اند که به‌جای فهم ایرانی و تاریخ ایران، بیشتر تاریخ جنایت‌های اسرائیل و آمریکا را بلبلند و تصور می‌کنند. هر چه ارباب‌ها بیشتر جنایت کنند، جذاب‌ترند! حالا شاید متوجه شده باشیم که چرا آدورنو در اوج جنگ جهانی نگران موجی بود که آمریکایی‌ها آن را شکل دادند. در این موج وطن‌فروشی حتی ممکن است ملت‌دوستی و انسان‌دوستی و دفاع از آزادی هم معرفی شود و این دقیقاً همان تلنگر مهمی بود که آدورنو قصد داشت به تک‌ک‌سوره‌های مقاوم انسانی بزند که فکر نکنید مارکسیسم و فاشیسم وحشتناکند. در آینده وحشتناک‌تر از این ایدئولوژی‌ها هم به‌صورت وسیع موج ایجاد می‌کند و ما امروز می‌بینیم که اسرائیل در عصر آتالین کودکان کشورها را به نام دفاع از انسانیت سلاخی می‌کند، همان‌طور که در عراق شاهد بودیم یک میلیون کشته در جنگ با آمریکا به نام ترویج دموکراسی در خاور میانه معرفی‌شد!

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در نظر دارد از طریق برگزاری مزایده عمومی نسبت به فروش ۵۰ اصله درخت صنوبر، ۱۰ اصله درخت کاج و ۵ اصله درخت سپیدار محوطه مجتمع دانشگاهی اقدام نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد، از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ به دبیرخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری به نشانی ساری- میدان خزر - کیلومتر ۷ جاده دریا - ساختمان اداری - طبقه سوم- قسمت دبیرخانه مرکزی مراجعه و عندالزام با تافن ۰۳۳۷۵۱-۳۳۰۰۱۱ یا ۰۳۴۴۵۱۷۴/۶ یا ۰۳۴۴۴۰۱۱ تماس حاصل نمایند. در ضمن هزینه درج هریک از آگهی‌ها بر عهده برنده مزایده می‌باشد.

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه

برابر برای شماره ۰۲۱۱۳/۴۵۰۰۱۰۴۵۰۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه آقای حسین جهانیان فرزند علی اصغر به شماره ملی ۰۳۶۹۹۴۳۵۹ به‌شماره پرونده ۶۸۴-۱۴۰۳ نسبت به‌شناسانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۵۵۰ (پنج هزار و پانصد و پنجاه متر) مربع قسمتی از پلاک ۲۲ اصلی واقع در بخش ۲۰ ثبت ساری قره کوکرت پردیاری از آقای ناصر تیموری محرر گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صلور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴

میم‌الف: ۱۹۵۵۹۸

فریر یوسفیان جمیدی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳

آگهی مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای

مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی سل و بیماری‌های ویروی دکتر مسیح دانشوری در نظر دارد تأمین نیروی انسانی خود را به اشخاص حقوقی واجد شرایط از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اگرادر نماید. لذا از متقاضیان دارای صلاحیت دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت و تحویل اسناد مناقصه به سامانه مذکور مراجعه نمایند.

۱- موضوع مناقصه: تأمین نیروی انسانی بر اساس شرایط اعلامی لازم در اسناد مناقصه

۲- زمان دریافت اسناد مناقصه: از ساعت: ۹ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ لغایت ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

۳- آخرین مهلت بازگویی پیشنهادها: تا ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۸ می‌باشد.

۴- زمان باز گشایی پاکت‌ها: پیشنهادات واصله راس ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۲ در کمیسیون مناقصات واقع در دفتر مدیریت بیمارستان بازو قرات خواهد شد.

۵- نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت نامه بانکی یا فیش بانکی (واریز وجه نقد) به شماره حساب ۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶ و شماره شبای ۰۱۰۹۹۹۰۷۱۴۷۳۸۶ عهده‌بانک مرکزی به نام مرکز آموزشی، پژوهشی، درمانی سل و بیماری‌های ویروی دکتر مسیح دانشوری

۶- مبلغ تضمین: به میزان ۹۰۹۶/۱۴۰۷۸۷/۳۸ ریال

۷- شماره فراخون مزایده در سامانه ستاد ایران: ۰۰۰۰۰۰۲۰۵۸۶۰۰۲۰۴۰۰ می‌باشد.

FARHIKHTEGAN
farhikhteganonline
@@@

صدای نخبگان، نگاه جوانان

روزنامه فرهیختگان

WWW.FDN.IR

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت در نظر دارد محصول باغ نخیلات خود را از طریق مزایده عمومی به اجاره دهد. متقاضیان می‌توانند با مراجعه به دفتر کمیسیون معاملات واحد، اسناد مزایده را دریافت و از باغ نخیلات واقع در مزرعه تحقیقاتی خضر آباد بازدید و پیشنهادات خود را تا پایان وقت اداری ۱۴۰۴/۰۵/۰۳ به آدرس: جیرفت خیابان دانشجو-دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت- دفتر مدیرکل توسعه مدیریت منابع تحویل و رسید دریافت نمایند.

شرایط مزایده:

۱- ارانه فیش بانکی به مبلغ ۲/۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری ۰۱۰۵۶۳۵۹۶۰۷ بانک ملی یا ارانه ضمانت نامه بانکی به مبلغ مذکور در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به عنوان تضمین شرکت در مزایده

۲- هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

۳- پیشنهادات مخدوش /مشروط /مهم و فاقد سپرده و پیشنهاداتی که پس از تاریخ مقرر ارسال شود پذیرفته نخواهد شد و دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.

تلفن تماس: ۰۳۴۴۳۲۶۰۵۵-۰۹۱۳۳۴۹۰۶۲۱-۰۳۴۴۳۲۶۰۵۵

فکس: ۰۳۴۴۳۲۶۳۵۵

روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی

کانون تبلیغاتی
سیهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹